

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	مشخصات نشر	مشخصات ظاهری
جستارهایی در پلاسکو/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.	۵۲۱ص.
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳	
	بلاها - - جنبه‌های جامعه‌شناختی.	موضوع
	رسانه‌ها و افکار عمومی.	موضوع
	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.	موضوع
	مدیریت بحران - ایران - تهران.	موضوع
	بلاها - - آینده‌نگری.	موضوع
	۱۳۹۵ ج ۲ / ۵۵۳ HV	رده‌بندی کنگره

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی‌پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

اخلاق اجتماعی و خلییات ایرانی



مناسک پلاسکو

سعیده زادقناد

پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

جامعه ایرانی از رهگذر قدمت تاریخی، ساختارهای مستحکم و پایای دینی، روابط بین فرهنگی و گاه تساهل در جذب عناصر فرهنگی بیگانه، همواره عرصه بروز و ظهور مناسکی متنوع بوده است. به این ترتیب شاید بتوان ادعا کرد که بسیاری از کنش‌ها و حتی برخی ویژگی‌های رفتاری ایرانیان، از خصلت مناسکی برخوردار شده است؛ خصلتی که طی آن روندها و معناهای مهم زندگی ما، در قالب‌های رفتاری و ذهنی خاصی صورت‌بندی و به‌صورت رمزگذاری شده، وارد نظام کنش متقابل مان می‌شوند. به عبارت دیگر، مناسکی‌شدن، متضمن نوعی تعلیق معنای روزمره و عادی است، جایی که پدیده‌ها و معناهای مهم زندگی مردم برجسته شده و به شیوه‌ای اجتماعی ساخته می‌شوند. همچنین به نظر می‌رسد، سازوکارهای مناسکی‌شدن و طیف رفتار

مناسکی در هر جامعه‌ای، بسته به زمینه فرهنگی‌اش و الگوهای مناسکی در دسترس آن جامعه شکل می‌گیرند؛ در نتیجه هر جامعه، صورت‌بندی خاصی از طیف رفتارهای مناسکی را پدید می‌آورد که از یک سو بیان‌گر رنگ و بو و روحیه آن فرهنگ بوده و از سوی دیگر خود آن فرهنگ از خلال این فرآیندهای مناسکی برساخته می‌شود. بر این اساس مناسک و طیف‌های مناسکی در هر جامعه‌ای بیانگر امور، معانی و پدیده‌هایی است که حضورشان در آن فرهنگ اهمیتی کلید داشته‌اند، دارند و نبودشان بیانگر خلایی در عملکرد فرهنگ مذکور قلمداد می‌شود.

نمونه‌های کنش و رفتار مناسکی در فرهنگ ما بی‌شمارند، از مناسک جشن سال نو گرفته تا عزاداری‌های باشکوه محرم و صفر. همچنین تجلی مواردی چون جشن کریسمس و شکوه بخشیدن به روز ولنتاین در سال‌های اخیر و موارد مشابه، نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی، به واسطه پذیرش و اجرای مناسک‌های مختلف، در بازتولیدی مداوم قرار دارد و از درآمدن به صورتی رنگارنگ، ابایی ندارد، به‌ویژه آن‌که ماهیت اجتماعی مناسک‌ها سبب می‌شوند تا مفهوم بودن و حضور در جمع، تبدیل به یک میل گسترده شود و در قالب کنش و عمل جمعی نمود یابد. در این جا هدف، بررسی علل گسترش و تداوم یافتن این میل بین ایرانی‌ها نیست، اما شاید بتوان از نمودهای مختلف آن یاد کرد که گاه در تحلیل‌های اجتماعی به‌شدت مورد تقبیح قرار می‌گیرند؛ به عنوان مثال، حضور مردم در خیابان‌های پرازدحام شب عید و یا ماندن در ترافیک‌های طولانی جاده‌های منتهی به شمال در زمان تعطیلات، بیش از آن‌که به میل مردم به حضور در جمع تعبیر شود، انگ رفتارهای سادومازوخیستی می‌خورد و همین رفتارها زمانی که در چارچوبی دینی و ملی انجام می‌پذیرند، تحسین‌برانگیز قلمداد می‌شوند. عبارت دوپهلوی «ملت همیشه در صحنه» که هم اشاره به شعور سیاسی و مذهبی ایرانی‌ها دارد و هم در تعبیر منفی‌اش، دالی



بر حضور هیجانی، غیرمنطقی و گاه دست‌وپاگیر مردم در فضاهایی است که نباید حاضر باشند، گواهی کوچک بر این ادعاست که نمی‌توان میل به حضور جمعی و تبدیل نمودن هر موقعیتی به مناسکی خاص را در ذهن و رفتار ایرانیان، نادیده گرفت. شاید بارها و بارها با عبارت «همه رفتند، ما چرا نرویم؟»، روبه‌رو شده باشید. عبارتی که به سازه‌ای منطقی و هدف‌مند تکیه ندارد و صرفاً شالوده لزوم و مشروعیت انجام یک حرکت را بر رفتار دیگران، استوار می‌کند و نهایتاً میل افراطی برای حضور در جمع و بروز رفتار مناسکی به هر قیمتی را نشان می‌دهد. در این جا باز هم تأکید می‌کنم که درک و تبیین چرایی چنین رفتارهایی، مطمح نظر این جستار نیست اما شاید بتوان با استفاده از الگوی مطرح شده - میل به حضور در جمع و بروز رفتار مناسکی - نیم‌نگاهی به فاجعه انسانی و مادی ساختمان پلاسکو داشت. برای این امر، این واقعه را در چهار مقطع مورد بررسی قرار می‌دهیم:

پرده اول: ساختمان‌سوزی

حدود ساعت هشت صبح، آتش‌سوزی، گزارش شده و نیروهای امدادی به محل حادثه اعزام می‌شوند. این نخستین باری نیست که ساختمانی قدیمی در خیابان جمهوری، طعمه حریق می‌شود و خاطره آتش‌سوزی چند سال پیش که موجب سقوط و مرگ دو کارگر زن از ساختمان شد، هنوز در افکار عمومی و حداقل در ذهن ساکنان خیابان مذکور زنده است. پلاسکو، لحظه به لحظه بیشتر در کام آتش فرو می‌رود و همین مسئله گام به گام بر تعداد جمعیت تماشاگر (صاحبان سرمایه‌های در آتش، کارکنان و کارمندان پلاسکو و ادارات و شرکت‌های نزدیک به محل حادثه، مردمی که برای خرید روز تعطیل در این خیابان حضور دارند) این ماجرا می‌افزاید. سوختن یکی از نمادهای سرمایه‌داری و مدرنیسم بلندمرتبه در ایران، هم خالق دلهره‌هایی است که از بطن



نابودی سرمایه‌های میلیاردی زاده می‌شوند و هم محرکی برای اذهان تقدیرگرایی که سوختن چنین سرمایه‌ای را نشانی بر بی‌اعتباری مال دنیا می‌دانند و گاه نیز نفرت خود از نظام سرمایه‌داری را ضمن تماشای شعله‌های آتش، زنده می‌کنند. در این لحظات این سه عامل، از قدرت کافی برای نگاه داشتن مردم در صحنه و حتی کشاندن آن‌ها به محل آتش‌سوزی برخوردارند. تا این لحظه نمی‌توان از نگرانی عامه مردم برای از دست رفتن نیروی انسانی سخنی به میان آورد، چون تمام تلاش‌ها برای خروج افراد عادی از ساختمان انجام پذیرفته و اصولاً با نزدیک شدن به لحظات خاموشی کامل آتش، تهدیدی برای جان آتش‌نشانان و نیروهای امدادی از ذهن خطور نمی‌کند و تا این زمان، کنش جمعی افراد تنها محدود به تماشاگری است، کنشی که منطبق خود را از همان دلیل «همه رفتند، ما چرا نرویم؟» اخذ می‌کند. لذا حضور در مکان حادثه، بیش از آن‌که از سر کنجکاوی و کسب اطلاعات باشد، ورود به رقابتی برای حضور هرچه سریع‌تر در محل است. حس جزء اولین‌ها بودن برای افراد، در جریان ماجرابی که به زودی دیگران، نفرات دومین و دهمین و صدمین و هزارمین آن خواهند بود، افراد را به صحنه حادثه می‌کشاند و همین حس که اکنون جنبه‌ای رقابتی نیز یافته، باعث بیرون آمدن گوشه‌های همراه و ثبت سلفی‌های متعدد با ساختمان در حال سوختن می‌شود. بنابراین میل بودن در جمع و به‌ویژه بودن نمایش خود به عنوان نخستین افراد حاضر در محل، بسیار قوی‌تر از حس کنجکاوی و کسب اطلاعاتی است که به تماشاگران این واقعه نسبت داده می‌شود. میل یاده‌شده لحظه به لحظه بیشتر تقویت می‌شود و با آغاز پرده دوم، تغییر ماهیت می‌دهد.

پرده دوم: آواریزی

پرده دوم روایت پلاسکو، با واژگونی کامل ساختمان آغاز می‌شود و



مردم از حالت تماشاچیان منفعل به کنشگران فعال تبدیل می‌شوند و از این مرحله به بعد، رفتار مناسکی مرتبط با مرگ همراه با هیجان افراد نمود می‌یابد و یا به عبارت دیگر، صورتی جدید از مناسک با عنوان مناسک فاجعه را خلق می‌کنند. در این نوع از کنش، میل به حضور در جمع، گسترده و عیان‌تر شده، شعارهای مذهبی (یا حسین ع)، یا ابوالفضل ع)) به لحظات اضافه می‌شود و افراد بدون توجه به اخلاقی که در روند امداد رسانی ایجاد کرده‌اند، حضور خود را در صحنه عزایی که می‌رود تا ابعاد ملی بیابد، ضروری و واجب احساس می‌کنند؛ به تعبیری دیگر، فضا این قدر متأثر از غم و اندوه شده که سبب شود تا افراد خود را در صحنه یک سوگواری عظیم حس کنند، حتی در این لحظه، غم‌های شخصی و روزمره خود را به یاد بیاورند و در مقابل این فاجعه عظیم، به وادی فرموشی بسپارند و خود را تسکین دهند و به پس از آن به رفتاری مناسکی روی آورند؛ مناسکی که به تعبیر مالینوفسکی، می‌کوشد تا نیروهای گریز از مرکز ترس، وحشت و تضعیف روحیه را خنثی کند و همبستگی شکسته شده گروه را بازگرداند. به این ترتیب، رقابت برای بودن در جمع در پرده اول، جای خود را به ضرورت بودن در جمع می‌دهد، دو کنشی که هر دو از میل حضور در کنار دیگران نشئت می‌گیرد اما ریشه‌های احساسی متمایزی دارد. غلبه تعداد سلفی‌های منتشر شده در فضای مجازی از پرده اول بر پرده دوم، گواه تغییر احساس حاضران است.

پرده سوم: روزهای بعد

عصر روز شنبه و با فروکش کردن تب حادثه، فضای حاکم بر محل وقوع ماجرا متفاوت می‌شود. در مسیر غرب به شرق از پل حافظ تا چهارراه استقلال و در مسیر شمال به جنوب از میدان فردوسی تا میدان امام خمینی برای خودروها محدودیت ترافیکی اعمال می‌شود و عبور



و مرور عابران پیاده نیز در مسیر شمال به جنوب از خیابان منوچهری تا کوچه برلن و در مسیر غرب به شرق از کوچه بابی‌ساندز تا خیابان لاله‌زار محدود می‌گردد. آنچه در این پرده به آن اشاره خواهیم کرد، تصویری از کنش‌های مردمی در سومین روز حادثه است که صورتی دیگر از مناسک مرتبط با مرگ و فاجعه در محل رخ دادن آن را نشان می‌دهد.

از محدوده پل حافظ دیگر امکان حرکت خودروها وجود ندارد و تا رسیدن به محل حادثه باید پیاده‌روی کرد. نیروهای انتظامی با ماشین، مسیر حرکت اتوبوس‌ها را بسته‌اند و عابران از پیاده‌روها حرکت می‌کنند. در تمام طول مسیر، نگاه‌ها معطوف به روبروست و کمتر کسی سخن می‌گوید. با نزدیک شدن به کوچه بابی‌ساندز بر تعداد نیروهای امنیتی افزوده می‌شود. این‌جا با داربست‌های فلزی و گونی‌های آبی رنگ، دیوارهای بلندی ایجاد کرده‌اند که به هیچ عابری اجازه تماشای ساختمان تخریب‌شده را نمی‌دهد. فضای خلق شده از دیوارهای آبی‌رنگ، دود سفیدی که ساختمان بلند می‌شود و سکوتی که در میان عابران جریان دارد، کنش‌های جمعی را به سوی رفتاری مناسکی پیش می‌برد که در گورستان شاهد آنیم. علاوه بر آن که تماشاچی این منظره، می‌تواند رابطه‌ای بین‌ذهنی با دودی که از فضایی نامشهود بیرون می‌آید و مناسک قربانی سوختنی^۱ برقرار کند و در این زمان است که مفهوم قربانگاه نیز بر مفاهیمی که خود را بر پلاسکو سوار کرده‌اند، افزوده می‌شود. در این‌جا کسی برای ورود به صحنه اصراری ندارد، کنجکاو‌ها حد اقلی و در حد پرسش از سلامت آوارزدگان است، اثری از تصویربرداری و عکاسی نیست و افراد نهایت تلاششان را می‌کنند تا آهسته صحبت کنند و سرانجام احترام خود را به فضایی که اکنون

۱. مناسکی توراتی که قربانی، پس از ذبح در راه خدا روی آتش قرار می‌گیرد و آهسته آهسته می‌سوزد و تقدیم ادونای (خدای یهود) می‌شود.



قدسی محسوب می‌شود ادا کنند اما نکته جالب آن است که همچنان میل به حضور جمعی و تعامل و تبادل اطلاعات با دیگران برای کاهش آلام درونی، حضوری پررنگ در میان مردم دارد.

پرده چهارم: آینده نزدیک

نگارنده در حالی این جستار را به رشته تحریر درمی‌آورد که هنوز آواربرداری به پایان نرسیده و قربانگاه نیز از حصار دیوارها بیرون نیامده است، اما قابل پیش‌بینی است که با باز شدن مسیرها و دسترسی مردم به مکان ساختمانی که دیگر مسطح شده است، بار دیگر میل به حضور در جمع و ادای احترام به قربانیان، افراد را به پلاسکو خواهد کشاند تا مناسک دیگری را که این بار رنگ و بوی یادبود دارد به منصفه ظهور بگذارند. بدون شک، تمایل برای حضور در این گورستان خاموش در پنج‌شنبه شب، ادای احترام با قربانیان با گل و یا حتی تقلید از رفتاری مناسکی که در سایر کشورها در چنین مواردی انجام می‌شود (نظیر پاسداشت قربانیان ۱۱ سپتامبر) سبب می‌شود تا باز هم مناسک پلاسکو برای نشان دادن احساس تمایل به حضور در جمع، زنده شود و افراد را به صحنه بکشاند. هرچند زمزمه کشیدن دیوار در مقابل ساختمان و جدا کردن تصویر آن از خیابان جمهوری از هم اکنون به گوش می‌رسد! اما مگر می‌توان خاطره یک شهر را از آن ربود؟!

پرده آخر

اگرچه این جستار، تنها در پی روایت رفتار مردم سرگردان در صحنه نمایش پلاسکو بود و از همان ابتدا، ادعایی مبنی بر تبیین چرایی تمایل مردم برای حضور در این جمع و بروز رفتار مناسکی نداشت (تحلیل این مسئله، نیازمند مطالعات عمیق جامعه‌شناختی و روان‌شناختی است) اما توجه به این نکته اهمیت دارد که جامعه ما، به چه میزان



در بروز رفتارهای جمعی و مناسکی خود، از آزادی عمل برخوردار و تا چه حدی به شعور وی، اعتماد شده است؟ به یاد آورید زمانی را که همشهریان تهرانی، در مقابل سفارت افغانستان تجمع کردند تا در نقد هم‌وطن ایرانی خود، تأکید می‌کنم در نقد یک ایرانی، ماجرای تجاوز و قتل دختر بچه‌ای افغانی را محکوم کنند، چه چیزی را شاهد بودیم؛ تجمعی که اجازه بروز نیافت. از این نمونه‌ها بی‌شمارند و زمانی که مجاز نیستند، انرژی جامعه برای حضور مفید و موثر در جمع، به هدر می‌رود و به جای آن که صرف فعالیت‌های مدنی و شهروندی شود، در جایی نمود می‌یابد که مخل فعالیت‌های امداد رسانی است. بجاست، این جماعت را بی‌تفاوت، خودخواه، روان‌پریش نامیم و به میل حضور او در جمع و بروز رفتار مناسکی که به آن علاقه‌مند است، احترام گذاشته و برای هدایت این انرژی، چاره‌ای دیگر بیاندیشیم.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
فصلنامه علمی و پژوهشی